

گزارش

آیایران در مسیر خروج عملی از معاهده منع گسترش قرار گرفته است؟

اسنپ‌بک وتضعیف نظارت آژانس

طی هفته جاری، بریتانیا، فرانسه و آلمان، گروهی که به نام تروئیکای اروپا شناخته می شوند، «اسنپ‌بک» تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را فعال کردند. اکوایران نوشت؛ این اقدام که به عنوان دفاع از نظم عدم اشاعه هسته‌ای معرفی شده، در واقع آن را تضعیف می کند. این حرکت تأثیر چندانی بر محاسبات تهران نخواهد گذاشت، اما به فروپاشی همان رژیم عدم اشاعه و نظام مبتنی بر قواعدی شتاب می بخشد که ایالات متحده و متحدانش پس از جنگ جهانی دوم بنا کردند. اثر فوری اسنپ‌بک، کاهش امکان موفقیت دیپلماسی و دامن زدن به تنش است. پیامدها هم اکنون آشکار شده‌اند. ابزار اسنپ‌بک در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) به عنوان یک مصالحه گنجانده شد تا تردیدهای کنگره و دیگران را برطرف کند. این مکانیزم در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل ثبت شد و به هر یک از طرفین اجازه می داد بدون امکان وتو، تحریم‌های پیش از ۲۰۱۵ را بازگرداند. به بیان دیگر، منطق معمول شورا وارونه شد. به جای اینکه برای مجازات اجماع لازم باشد، اسنپ‌بک تضمین می کرد که مجازات اعمال شود مگر آنکه اجماع کامل برای جلوگیری از آن شکل گیرد. اکنون با اجرای دوباره تحریم‌های سازمان ملل، مسیر دیپلماسی سخت تر شده است. در تهران، درخواست‌ها برای قطع همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) یا حتی خروج از معاهده منع گسترش سلاح های هسته‌ای (NPT) در حال تقویت است.

اهرم اسنپ‌بک

پشت سرتیترها، اسنپ‌بک در عمل فشار چندانی برای بازگرداندن برنامه هسته‌ای ایران به نظارت بین المللی نمی آورد. فشار واقعی بر ایران سال هاست که نه از تحریم‌های سازمان ملل بلکه از تحریم‌های ثانویه گسترده آمریکا نشأت گرفته است. این تحریم‌ها که پس از خروج یک جانبه واشنگتن از برجام در ۲۰۱۸ دوباره اعمال شدند، ایران را از نظام مالی جهانی جدا کرده و همچنان منبع اصلی فشار هستند. تروئیکای اروپایی اقدام خود را با استناد به نقض‌های ایران در برجام توجیه می کنند. اما این روایت یک واقعیت اساسی را حذف می کند: نخست واشنگتن بود که توافق را نقض کرد، هنگامی که دونالد ترامپ در ۲۰۱۸ آن راکنندگذاشت. اروپا نیز به رغم وعده‌های اولیه، در نهایت از واشنگتن پیروی کرد و عملاً به تحریم‌های بازاعمال شده آمریکاتن داد. سرزنش ایران برای فروپاشی برجام چیزی جز بازتوسیه تاریخ نیست. مسئولیت با واشنگتن و ناگامی اروپا در پایبندی به تعهداتش است. اما اسنپ‌بک امروز در برابر تحریم‌های فراگیر کنونی آمریکا اثر اندکی دارد.

روزنه‌ای که بسته شد

زمان بندی اقدام تروئیکا به‌ویژه بی پرواست. در ژوئن، اسرائیل و ایالات متحده چندین تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان ایران را بمباران کردند، اقدامی بی سابقه در تاریخ NPT. بسیاری از کارشناسان حقوقی، حمله به سایت‌های هسته‌ای اعلام شده یک عضو NPT که تحت نظارت آژانس قرار دارد را نقض آشکار حقوق بین الملل می دانند. جای تعجب نیست که این امر همکاری ایران با بازرسان را به شدت پیچیده کرده است. او را قابل بازرسی نیست به‌ویژه اگر همان طور که ترامپ ادعا کرد، سایت‌ها «کاملاً نابود شده» باشند. با وجود این شرایط پرتنش، ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) به چارچوب تازه‌ای برای همکاری دست یافته‌اند؛ رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، آن را «گامی در مسیر درست» توصیف کرد. طبق این توافق، تهران طرحی مرحله به مرحله برای بازگرداندن اعتماد و شفافیت پیشنهاد داده است. محور اصلی این طرح، رقیق سازی ذخایر اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی به سطح ۴۰ درصد بود؛ اقدامی مهم در راستای عدم اشاعه که سطح غنی سازی را به مصارف غیرنظامی نزدیک می کند و اطمینان می دهد که این ماده دیگر قابلیت استفاده تسلیحاتی ندارد. به موازات آن، قرار بود مهلت اسنپ‌بک تمدید و مسیری برای لغو نهایه آن باز شود؛ درست همان طور که در برجام پیش بینی شده بود. حتی امائوئل مکررون، رئیس جمهور فرانسه، این طرح را «معقول» خواند، هرچند تاکید کرد که تروئیکا همچنان قصد اجرای اسنپ‌بک را دارد. اما اسنپ‌بک این روزنه را بست. اکنون تهران آماده تشدید مقابله است. مجلس ایران همچنین طرحی را برای خروج کامل از معاهد NPT پیش برده است. همزمان، تهران اعلام کرد توافق تازه‌ای را که با میانجیگری مصر برای اجرای تعهدات پادمانی با آژانس امضا کرده بود، به حالت تعلیق درمی آورد و عملاً همکاری با بازرسان را متوقف می کند. هرچند پزشکشان تأکید دارد ایران رسماً از NPT خارج نخواهد شد، اما تعلیق نظارت در عمل به همان معناست.

فروپاشی نظارت

در این زمینه، اسنپ‌بک نه تنها برنامه هسته‌ای ایران را محدود نمی کند، بلکه به فروپاشی نظارت بین المللی سرعت می بخشد. تناقض آشکار این است؛ به جای اینکه چارچوب تازه ایران-آژانس بنا شود که می توانست شفافیت را تا حدی بازگرداند، اسنپ‌بک آن را تضعیف کرد. پس از حملات ژوئن، بازرسان عملاً دسترسی خود را از دست دادند، و طرح شکندنه قاهره برای بازسازی همکاری اکنون از هم پاشیده است. نتیجه، چشم اندازی از ناشناخته‌های خطرناک است؛ چند سانتیفریو پیشرانه باقی مانده، چه میزان اورانیوم غنی شده موجود است یا جابه جا شده، و کدام تأسیسات همچنان سالم‌اند.

پیامدهای جهانی

فراتر از ایران، پیامدها جهانی است. روسیه و چین اقدام تروئیکادر اسنپ‌بک را آشکارا رد کردند. به این ترتیب، دو قدرت دارای حق وتو در شورای امنیت رسماً اعلام کردند که اسنپ‌بک را اجرا نخواهند کرد. این بدان معناست که نه تنها آنها به تحریم‌های بازاعمال شده پایبند نخواهند بود، بلکه حتی کمیته‌های شورای امنیت که وظیفه اجرای آنها را دارند نیز به احتمال زیاد فلج خواهند شد. مقام‌های اروپایی و آمریکایی گفته‌اند که دیپلماسی همچنان یک گزینه است. اما آنچه اهمیت دارد عمل است، نه پیام. اگر اولویت جلوگیری از جنگ و حفظ رژیم عدم اشاعه باشد، فشار بیشتر نتیجه معکوس خواهد داشت.

علی بیگدلی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

خاورمیانه به نقطه حساسی

رسیده‌است



آمریکادنبال نمایش قدرت نظامی در خاورمیانه است

فضای بین المللی ملتهب و متشنج شده است

باتوجه به شرایط حساس کنونی ایران بایدانعطاف بیشتری از خود نشان بدهد



به خلیج فارس که همراهی شان توسط جنگنده‌های این کشور گزارش شده است، علاوه بر نشان دادن توان لجستیکی برای عملیات هوایی مداوم، حامل پیامی سیاسی به دو مخاطب است؛ اول به متحدان منطقه‌ای که واشنگتن قصد دارد ضامن امنیت آنها باقی بماند. دوم به تهران که گزینه نظامی همچنان روی میز است». سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه نیز در گفت‌وگو با CNN درباره بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی در پی فعال سازی مکانیسم ماشه از سوی تروئیکای اروپایی، گفت که پیشنهادهایی که برای حل و فصل موضوع به آمریکا و سه قدرت اروپایی ارائه کرده، از جانب آنها رد شده است.» «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی شرایط پیچیده منطقه با دکتر علی بیگدلی تحلیلگر روابط بین الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می خوانید.

نسبی فضا خواهد شد. در صورتی که تمام جوانب در نظر گرفته شود، می توان وارد گفت‌وگوهای مستقیم و بدون واسطه شد. در آن صورت رسیدن به توافقی برای حل مسائل امکان بیشتری خواهد داشت. در حال حاضر سطح انتظارات اروپا و آمریکا بالا رفته است و ما می توانیم راهی پیدا کنیم که موجب نزدیک شدن دیدگاه‌ها شود. یافتن چنین راه‌هایی با انعطاف پذیری ممکن می شود. کشورهای اروپایی و آمریکایی خواهند غنی سازی در ایران به صفر برسد، اما تهران چنین درخواستی را نپذیرفته است. از سوی دیگر کشورهای غربی می خواهند برد موشک‌های ایران کاهش پیدا کند که این موضوع هم با پذیرش ایران مواجه نشده است. انسدادی که پدید آمده به راحتی قابل حل نیست اما باید توجه داشت که ادامه وضعیت هم را می چپه اندازد موجب هزینه خواهد شد. در حال حاضر به سختی می توان چنین هزینه‌هایی را بپردازد.

شما به چه میزان جنگ را محتمل می دانید؟

سیاست یک امر سیال است و ما براساس داده‌های امروز صحبت می کنیم اما احتمال دارد فردا اتفاق دیگری رخ بدهد. باتوجه به شرایط موجود احتمال حمله نظامی به ایران بسیار بعید به نظر می رسد. پیش از این صحبت از این بود که جنگ قریب الوقوع است. اکنون معتقدم جنگ قابل پیش بینی است اما براساس شرایطی که در آمریکا و اسرائیل مشاهده می شود، این حرکت به سوی نظامی شدن بیشتر ایران جلوگیری کند. می توان گفت به آسانی اتفاق نخواهد افتاد. اتفاقاتی که در حال حاضر در منطقه در حال رخ دادن است، به این دلیل است که از عرصه به سوی نظامی شدن بیشتر ایران جلوگیری کنند. من معتقدم ایران و آمریکا به مرحله خاصی از حیات سیاسی و اقتصادی خود رسیده‌اند. شرایط منطقه خاورمیانه و شرایط داخلی ایران نیز اجازه نمی دهد که کشور وارد جنگ شود. برای همین نباید از مذاکره روی گردان شویم. بلکه باید از طریق میز مذاکره به سمتی حرکت کنیم که انتظارات ما برآورده شود. به نظر می رسد ایران و آمریکا بازماند رسیدن به یک نقطه مشترک هستند و هیچ کدام به جز مذاکره برای رسیدن به اهداف خود راه دیگری ندارند. در گذشته هم ایران راه‌های دیگری را امتحان کرده و هم آمریکا اما هیچ کدام به اهداف خود نرسیده‌اند. به همین دلیل ایران و آمریکا دنبال این هستند که از طریق مذاکره به اهداف خود برسند. در واقع باتوجه به تجربه‌های گذشته، این نتیجه حاصل شده که مذاکره راهی بسیار کم هزینه و آسان تر است و هر دو کشور باید از فرصت استفاده کنند. اگر ما نتوانیم از این فرصت‌ها به خوبی استفاده کنیم، آن هم زمانی که در داخل کشور اختلاف نظرهای جدی درباره سیاست خارجه وجود دارد، ممکن است با بحران دیپلماتیک مواجه شویم که نه تنها به تحریم‌های بیشتر منجر می شود، بلکه احتمال دارد تهدیدات نظامی نیز بیشتر شود. واقعیت این است که اگر امروز طرفین شرایط را سخت بگیرند ممکن است مسیر به سمتی برود که نه خواسته ایران باشد و نه آمریکا.

تازمانی که مسأله غزه حل نشود امکان

حمله به ایران وجود ندارد و در عین حال مخالفت مردم اسرائیل با سیاست‌های نتانیاهو و فشارهایی که فضای بین المللی به ترامپ و نتانیاهو وارد می کند، مسأله غزه را پیچیده کرده است

خصوصت دیگری با ایران دارند که به کمک ایران به روسیه در جنگ اوکراین مربوط است. به همین دلیل فشارها روی ایران زیاد شده است. به همین دلیل ایران با توجه به حساسیت شرایط باید بهترین تصمیم‌ها را بگیرد.

ترامپ عنوان کرده خاورمیانه با یک فرصت و اتفاق ویژه مواجه شده است. این در حالی است که ارتش آمریکا ژنرال‌های ارشد خود را به وزارت جنگ فراخوانده است. منظور ترامپ از این فرصت و اتفاق ویژه چیست؟

از اقدامات برای ایجاد وحشت در بین کشورهای منطقه و از جمله ایران است تا تن به خواسته‌های بیشتر آمریکا بدهند. در حال حاضر نتانیاهو به دلیل مسأله غزه در داخل و در عرصه بین الملل با فشارهای زیادی مواجه است. به همین دلیل همه تلاش ترامپ و نتانیاهو این است که مسأله غزه را به شکلی حل کنند. از این زاویه می توان گفت افزایش تجهیزات آمریکا در منطقه برای نمایش قدرت و افزایش ضریب امنیتی برای کشورهای منطقه است. نکته مهم اینکه ما به لحظات حساسی رسیده ایم. ایران در درجه اول باید مسائل بین خود و آژانس را حل کند. در صورتی که به توافق برسند و اجازه داده شود که کارشناسان آژانس برای بازرسی وارد کشور شده و گزارش خود را به شورای حکام تحویل دهند، موجب آرامش نظر می رسد.

ایران و آمریکا دنبال این هستند که از طریق مذاکره به اهداف خود برسند. در واقع با توجه به تجربه‌های گذشته، این نتیجه حاصل شده که مذاکره راهی بسیار کم هزینه و آسان تر است و هر دو کشور باید از فرصت استفاده کنند

غلامعلی دهقان:

تحریم‌های سازمان ملل ماهیت سیاسی دارد

اروپا و رژیم صهیونیستی در افکار عمومی و محافل رسانه‌ای مشاهده شد، اما با اقدام اخیر اروپایی‌ها، آنها عملاً امتیازی به اسرائیل دادند و نشان دادند که همچنان این رژیم را شریک راهبردی خود در منطقه خاورمیانه می دانند. دهقان با بیان اینکه در این مسیر روسیه و چین به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت، تلاش کردند با ارائه پیشنهادی، قطعنامه ۲۲۳۱ را برای ۶ ماه دیگر تمدید کنند که این پیشنهاد مورد موافقت دیگر اعضا قرار نگرفت. یادآور شد: در حالی که اگر این پیشنهاد ۹ رای لازم از میان ۱۵ عضو را کسب می کرد، قطعاً با وتوی آمریکا، فرانسه و انگلیس مواجه می شد. این کارشناس سیاسی با طرح این سوال مهم که آیا بازگرداندن تحریم‌های هگانه قطعنامه‌های پیشین سازمان ملل می تواند برای ایران مشکلاتی ایجاد کند، گفت: واقعیت این

راهبردی و استراتژیک میان آمریکا و اروپا، افزایش شکاف میان این دو قطب جهانی به نفع هیچ کدام نبود، عنوان کرد: بنابراین، اروپایی‌ها در موضوع ایران و بازگرداندن تحریم‌ها، به آمریکا که چندین سال پیش از خیم، یازاب گسترده‌ای در محافل سیاسی و افکار عمومی کشور داشته است. غلامعلی دهقان گفت: اینکه چرایش از گذشت ۱۰ سال از آغاز برجام، اروپایی‌ها بار دیگر مکانیسم ماشه را فعال کردند، به نظر می رسد دو دلیل عمده داشته باشد؛ نخست اینکه اروپایی‌ها در این موضوع امتیازی به دولت ترامپ ندارند. این کارشناس سیاسی بیان کرد: دولت ترامپ سال گذشته تلاش کرد در ماجرای تصرف اوکراین توسط روسیه، امتیازاتی به روسیه و پوتین بدهد و به تعبیر اروپایی‌ها، در این زمینه نسبت به اوکراین کم لطفی کرد. دهقان با بیان اینکه با توجه به اتحاد

یادداشت

ماموریت جدید ترکیه

احمد کاظمی

کارشناس ارشد مسائل اوراسیا



ترکیه تنها کشور اسلامی عضو ناتو (از ۱۸ فوریه ۱۹۵۲) است که طی دهه‌های اخیر انبوهی از جهت‌گیری‌ها را در سیاست خارجی، از درخواست عضویت کامل در اتحادیه اروپا (در سال ۱۹۸۷ به جامعه اروپا و ۱۹۹۹ به عنوان نامزد عضویت در اتحادیه اروپا) تا سیاست نگاه به شرق (درخواست عضویت در سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۲) و در داخل نیز ملی گرایی، اسلام گرایی و سنتز ملی گرایی و اسلام گرایی را تجربه کرده است. در طول جنگ سوریه و فعالیت تروریسم تکفیری داعش، تغییرات ناگهانی در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ترکیه به‌ویژه در قبال عربستان سعودی، ایران، روسیه و غیره، این دیدگاه را تقویت کرده که آنکارا فاقد یک سیاست خارجی بایثبات و قابل اعتماد است؛ آن مقطع، برخی محافل نزدیک به حزب عدالت و توسعه تلاش کردند که این موضوع را با رویکرد ترکیه برای تعامل با همه بازیگران موثر و خودداری از وابستگی به یک بلوک قدرت یا ائتلاف بازنمایی کنند؛ اما واقعیت این است که بنیان سیاست خارجی ترکیه در دوران زمامداری حزب عدالت و توسعه بر اهدافی بنا شده است که طی دو دهه اخیر نه تنها تغییر نیافته‌اند بلکه تقویت نیز شده‌اند. جهان اسلام رفتارهایی را شاهد است که نشان می دهند میان حرف و عمل مقامات ترکیه، فاصله است؛ از یک سو مقامات ترکیه با تشبیه نتانیاهو به هیتلر و ذکر مصیبت ودعا در خصوص نسل کشی فلسطینیان در غزه، خود را مدافع آرمان فلسطین بازنمایی می کنند اما در عمل حاضر نیستند غیر از شعار و نمایش، اقدامی برای ضربه زدن به رژیم صهیونیستی انجام دهند؛ بلکه بالعکس با کارکردهای اینچریک و کوره جیک و دیگر پایگاه‌های آمریکا و ناتو در استانبول، آمیزر، قونیه، آنکارا، مرسین، قهرمان مرعش، مالاتیا، دیاربکر و اتمان برای حمایت از تجاوزات منطقه‌ای رژیم صهیونیستی همراهی می کنند. واقعیت این است که ترکیه به رغم همه ادعاها در خصوص پیگیری سیاست‌های مستقل، همچنان به عنوان نماینده ناتو در منطقه ایفای نقش می کند. به رویکردهای عثمانی و پان ترکیستی و مدل اسلامی ترکیه نیز باید از همین نگاه نگار کرد؛ به تنها معیله رفتاری از سوی آنکارا علیه ناتو به‌ویژه انگلستان در سال‌های گذشته انجام نشده است؛ بلکه طرح‌های بزرگی از سوی ترکیه به نام پانگدلی از ناتو و جبهه انگلوساکسونی اجرا شده و در حال اجراست. در این راستا و در فرآیند ایجاد نظم انگلوساکسونی در غرب آسیا، اولین ماموریت ترکیه، وارد کردن ضربات سنگین به محور مقاومت با آنچه غرب هال شیعیی می نامید، بوده است. اوج این اقدام، تقسیم کار پنهانی ترکیه و رژیم صهیونیستی برای فروپاشی نظام بشار اسد و آوردن اشخاصی به قدرت بود که تا دیروز در ردیف اول فهرست تروریستی غرب جای داشتند. فروپاشی سوریه اسد، باز این بردن جبهه اتصال زمینی ایران به مرزهای اسرائیل، بزرگترین خدمت قرن به رژیم صهیونیستی است که اجرای آن بدون مشارکت ترکیه و نیروها وابسته به آن ممکن نبود. ترکیه همچنین در راستای ایفای نقش مقدم ایران و ناتو و جبهه انگلوساکسونی به‌ویژه از زمان پروژه جنگ دوم قرا باغ، به دنبال ایجاد جهان به اصطلاح ترک در پوشش سازمان دولت‌های ترک، ناتوی ترکی و پیگیری ایده اجرای فریدور فراسرزمین در جنوب ایمرستان (دالان تورانی ناتو) است؛ همراهی آنکارا با «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین المللی» (TRIPP) موید این موضوع است. به گواه دو سال تحولات پس از ۷ کتبر ۲۰۲۳، جهان ترک ادعایی ترکیه که مهمترین مانع آن هویت آذربایجانی شیعیی ایرانی است، مهمترین پشتیبان، عقبه لجستیکی و مسیر ترانزیتی برای رژیم صهیونیستی است. سفر رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه به آمریکا در ۲ مهر ۱۴۰۴ (۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵) و کم و کیف دیدارها با دونالد ترامپ و مقامات آمریکا پس از شش سال نشان داد که جبهه انگلوساکسونی ماموریت‌های جدیدی برای آنکارا و به تعبیر ترامپ برای «مرد قوی و مورد احترام گسترده در ترکیه، اروپا و جهان» دارد. درخواست اصلی آمریکا از ترکیه، کاهش و نهایتاً قطع واردات گاز طبیعی از روسیه است تا بتواند تحریم‌های انرژی را به مسکو را مؤثر کند. شواهد و قرائن موید آن است که به رغم برخی از اقدامات نمایشی ضد اسرائیلی ترکیه در حوزه‌های رسانه‌ای، ورزشی و سیاسی؛ ترکیه «به شدت و به سرعت» در حال اجرای طرح‌های فتنه انگیز جبهه انگلوساکسونی در یمنه غرب آسیا و اوراسیاست؛ شاید به این دلیل نیز احمد داود اوغلو، تئورسین و وزیر امور خارجه اسبق ترکیه، متعاقب دیدار اردوغان با ترامپ، با اشاره به تلاش آمریکا برای ایجاد یک سیستم نوآمپریالیستی، تأکید کرد «من معیله نگران بشريت و جایگاه کشورم در این عاقله جدید هستم». به نظر می رسد داود اوغلو بخش بزرگتری از نگرانی‌های محافل ترک را به زبان نیاورده و آن قرار داشتن ترکیه در طرح‌های غرب برای تجزیه خاورمیانه در راستای اجرای ایده «اسرائیل بزرگ» است.